

رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلانشهری

(نمونه موردی: منطقه کلانشهری تهران)

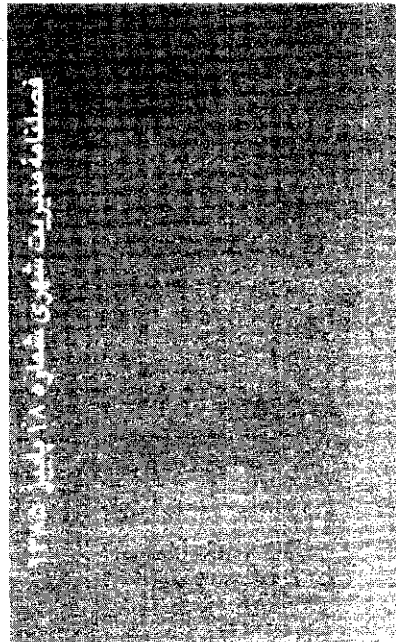
چکیده
از رویکردهای عمده‌ای که از اوایل قرن بیستم در حوزه برنامه ریزی مطرح شد، منطقه گرایی و منطقه ای اندیشی است. در حقیقت تفکر منطقه ای به دنبال یکپارچه سازی و یکپارچه نگری شهر مرکزی و پیرامون شکل گرفته است. این رویکرد از بدو پیدایش خود طی زمان‌های مختلف، جهت گیری‌های مختلفی داشته است، به طوری که ابتدا دارای نگرش اکولوژیکی بوده، سپس جهت گیری فرهنگی و اقتصادی یافته و امروزه به سمت برنامه ریزی فضایی و فیزیکی منطقه ای سوق پیدا کرده است و بیشتر به دنبال بررسی مباحث مرتبط با کاربری اراضی، زیرساخت‌ها، طراحی شهری، برنامه ریزی برای اکوسیستم‌ها و برقراری عدالت در سطح مناطق کلانشهری است. بدیهی است همزمان با بروز مسائل مختلف در مناطق کلانشهری (به ویژه در کشورهای در حال توسعه)، این نوع برنامه ریزی اهمیت فراوانی یافته است.

امروزه مناطق کلانشهری با چالش‌های مختلفی از قبیل رشد و پراکندگی جمعیت و فعالیت‌ها در سطح منطقه، روند رشد کالبدی شهرها، نحوه توزیع امکانات در میان ساکنان، رشد و توسعه اقتصادی و نظایر اینها درگیر هستند، و این امر مدیریت شهری را با مشکلات مختلفی، چه از منظر ساختاری و چه از لحاظ کارکردی، مواجه کرده است. بر این اساس، جستجوی راه‌حلهایی برای چالش‌های یاد شده به منظور جلوگیری از تشدید روند موجود و نیل به پایداری، ضرورت دارد. نوشتار حاضر با نگاهی اجمالی بر تفکرات منطقه گرایی، به دلیل گستردگی چالش‌های مورد بحث، تلاش دارد به بررسی روند رشد و پراکنش جمعیت در سطح منطقه کلانشهر تهران بپردازد و در این مسیر، چالش مذکور با رویکردی قیاسی با اهداف طرح مجموعه شهری تهران در محدوده زمانی ۱۳۸۱-۱۳۷۵ بررسی شده است. از جمله نتایج به دست آمده این است که استقرار جمعیت در منطقه کلانشهری تهران، نامتعادل و نامناسب است و اهداف و راهبردهای طرح مجموعه شهری در بعضی از نقاط سکونتگاهی و حوزه‌های شهری محقق نشده است و در صورت تداوم این روند، منطقه کلانشهری با مشکلات بیشتری مواجه خواهد بود.

نویسندگان

محمد مهدی متوسلی - کارشناس ارشد شهرسازی
مدیر گروه برنامه ریزی و طراحی شهری
مرکز پژوهش‌های شهری و روستایی
Motevaseli2004@yahoo.co.uk

حسن اسماعیل زاده
دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی
Esmailzadeh58@yahoo.co.uk



کلیدواژه‌ها: منطقه گرایی، منطقه کلانشهری، طرح منطقه‌ای، رشد جمعیت، پراکنش جمعیت، تهران.

مقدمه

همزمان با رشد جمعیت و شهرنشینی در چند دهه اخیر و شکل‌گیری مناطق کلانشهری، مسائل عدیده‌ای در این مناطق شکل گرفته و مدیریت شهری را با چالش‌های فزاینده‌ای ناشی از رشدی فراتر از ظرفیت‌های پاسخگو، مواجه ساخته است. که از آن جمله می‌توان به رشد نامتناسب کالبد شهرها، گسترش انواع آلودگی‌ها، افزایش فقر و بیکاری، رشد حاشیه‌نشینی و مسئله بیخانمانی، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و نظایر اینها اشاره کرد. گستردگی مسائل اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، نوعی واکنش منفی را نسبت به شهرنشینی ستابان در این کشورها دامن زد که منشأ طرز تلقی "شهرستیزی" و گاه "روستازدگی" و خواست عمومی برای مهار رشد سریع شهرها شد. این طرز تلقی در بسیاری از موارد، باعث بی‌اعتنایی به تمرکز عظیم شهری به بهانه لزوم مهار آن و پشت کردن به واقعیت‌های شهرنشینی سریع گردید. از دهه ۱۹۸۰ میلادی، با تداوم روند کلانشهرنشینی و افزایش درک عمومی از همبستگی رشد کلانشهرها و رشد اقتصاد ملی، تلقی شهرستیزی کمتر شد و اندیشه مهار و کنترل رشد مناطق کلانشهری، به تدریج جای خود را به برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه این مناطق داد. با این تغییر نگرش، دیدگاه واقع‌گرایانه تری نسبت به مسائل کلانشهری شکل گرفت، تا جایی که زیست‌پذیر کردن محیط‌های شهری برای تمام گروه‌های اجتماعی با اتکا به توسعه‌ای پایدار از طریق مشارکت فراگیر شهروندان در دستور کار مدیریت اکثر مناطق کلانشهری قرار گرفت.

روش تحقیق

روش تحقیق برای تبیین روند رشد و پراکنش جمعیت در منطقه کلانشهری تهران، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است؛ بدین ترتیب که ابتدا روند رشد و پراکنش جمعیت در سال‌های گذشته، مورد مطالعه قرار گرفته، و سپس با رویکردی تطبیقی، به مقایسه روند مذکور در فاصله سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۵ پرداخته شده است. در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و منابع فارسی و لاتین، آمارهای مرتبط و مانند اینها استفاده شده، و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز مبتنی بر تحلیل یافته‌های توصیفی روند رشد پراکنش جمعیت با مقایسه آمارهای مربوط به سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱ بوده است. جامعه آماری در تحقیق حاضر شامل محدوده منطقه کلانشهری (استان تهران، به استثنای شهرستان فیروزکوه) است.

منطقه و تفکرات منطقه گرایی

واژه "منطقه" [۱] در متون مربوط به برنامه‌ریزی شهری، به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. در اوایل قرن بیستم، شماری از برنامه‌ریزان، مطالعاتی را در این زمینه انجام دادند. پاتریک گدس [۲]، زیست‌شناس و دانشمند اسکاتلندی، که به پدر برنامه‌ریزی منطقه‌ای معروف است، مطالعاتی را در خصوص نحوه یکپارچه شدن شهرها و پیرامون (مناطق اطراف شهرها) از منظرهای مختلف جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انجام داده است. گدس معتقد بود که برنامه‌ریزان، منطقه را از منظر مزیت‌های آن بررسی می‌کنند. به اعتقاد وی، برای درک خصوصیات مناطق لازم است طرح‌های مختلفی برای توسعه، تدوین گردد و به اجرا درآید. (Wheeler, 2006, p. 133) بر این اساس، می‌توان گفت که "برنامه‌ریزی برای مناطق"، در حقیقت به دنبال کشف فرصت‌ها و توسعه متعادل سکونتگاه‌ها (مرکز و پیرامون) است. این سطح از برنامه‌ریزی، حل مسائلی چون آلودگی هوا، نحوه توزیع آب، زهکشی، حمل و نقل و نظایر اینها را جست‌وجو می‌کند که سطح محلی (شهر، روستا و واحدهای همسایگی) قادر به تامین آنها نیست. (Gallion, 1984, p. 358)

از جمله تفکراتی که در زمینه منطقه‌گرایی مطرح گردیده، "منطقه‌گرایی اکولوژیکی" [۳] است که از طرف اعضای انجمن برنامه‌ریزی منطقه‌ای آمریکا [۴] به ویژه لویس مامفورد [۵] و بنتون مک‌کی [۶] مطرح شد که شهر و پیرامون یا صنعت و طبیعت را به صورت "کلیتی منسجم" [۷] می‌دیدند. مامفورد و همفکرانش، ایده یکپارچه‌سازی توسعه اقتصادی، مدیریت منابع طبیعی، حمل و نقل، برنامه‌ریزی کالبدی بزرگ مقیاس [۸]، معماری انسان‌گرا [۹] و طراحی مکانی [۱۰] را مطرح ساختند، - هرچند که این ایده عملی نشد. به اعتقاد هاوارد، ایده توسعه [۱۱] در مفهوم باغشهر [۱۲] عینیت می‌یابد. از جمله طرح‌های اجراشده به این سبک،

می‌توان به طرح رادبرن [۱۳] در نیوجرسی [۱۴] اشاره کرد. این طرح، قبل از آنکه نمونه‌ای از یک حومه جدید ساخته شده باشد چارچوبی از مدل موسوم به بن بست یا گوشه دنج [۱۵] و شبکه فضاهای سبز درون شهری ارائه می‌کند (Wheeler, 2006, p 134).

تفکر دیگری از منطقه‌گرایی که در طول دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ از دانشگاه کارولینای شمالی [۱۶] در منطقه چاپل هیل [۱۷] مطرح شد، "منطقه‌گرایی فرهنگی" [۱۸] بود. این تفکر از طرف جامعه‌شناسانی چون هاوارد دی. ادوم [۱۹] و هری استیل [۲۰] مطرح شد که فعالیت‌های شان، عمدتاً "تحلیل مناطق فرهنگی امریکای شمالی بود. طرفداران این مکتب فکری، در ابتدا اهدافی چون حفاظت از ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی همسان در چنین مناطقی را تعقیب می‌کردند. این گونه مناطق فرهنگی، از نظر گونه‌شناسی، بسیار زیاد و متنوع‌اند و شناسائی آنها نیز به دلیل همپوشانی سنت‌ها و گروه‌بندی مختلف اجتماعی، به سختی صورت می‌گیرد.

از اواخر دهه ۱۹۴۰، اکثر منطقه‌گرایان آکادمیک، "مناطق را به عنوان حوزه‌های فعالیت‌های اقتصادی [۲۱] تعریف کردند و تمرکز آنها بیشتر روی مناطقی چون کالیفرنیا جنوبی [۲۲]، دره سیلیکون [۲۳]، دره تنسی [۲۴]، منطقه امیلیا رماگنا [۲۵] از ایتالیا شمالی و نظایر اینها بود. تحلیل‌ها و متدهای علمی اقتصادی در این نحله فکری جای می‌گیرند. حوزه "علم منطقه‌ای" [۲۶] که به دست والتر ایزارد [۲۷] در دانشگاه پنسیلوانیا در دهه ۱۹۴۰ پی‌ریزی شد، به طور گسترده بر تحلیل‌های اقتصادی تمرکز داشت. جان فریدمن [۲۸] و ویلیام آلتسو [۲۹] در مجله برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای [۳۰]، که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد، اظهار داشتند که "منطقه چونان چشم‌اندازی اقتصادی" [۳۱] است و فریدمن عنوان کرد که برنامه‌ریزی منطقه‌ای، اساساً به بررسی مسائل توسعه اقتصادی و منابع [۳۲] می‌پردازد.

در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان اقتصاد منطقه‌ای نئومارکسیست از قبیل دیوید هاروی [۳۳] و امانوئل کستلر [۳۴]، تحلیل جدیدی را از "قدرت در مطالعه مناطق" [۳۵] ارائه کردند. به بیان دیگر، به مباحثی چون شیوه سرمایه اقتصادی، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های نخبه و "ماشین‌های رشد" [۳۶]، که توسعه شهری و منطقه‌ای را جهت می‌دهند توجه کردند. از منظر آنها، منطقه به مثابه قلمرو قدرت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌شود. به بیان ساده، از درجه این نحله فکری، توسعه تحلیل‌های تکنیکی بدون درک نیروهای قدرت، برای برنامه‌ریزان بی‌معنی بود. در این رویکرد، برای دستیابی به اهداف کارآمد در برنامه‌ریزی، درک تغییرات ساختاری [۳۷]، اهمیت زیادی داشت. (Ibid, p 135) نگاه سیاسی و ایدئولوژیک به مناطق شهری و برخورد با مسائل از موضع ساختارگرایی، رویکرد غالب این تفکر را تشکیل می‌دهد (افروغ، ۱۳۷۷، ۱۳۵).

اخیراً توجه به "برنامه‌ریزی فضایی و کالبدی منطقه‌ای" [۳۸]، که شامل مباحثی چون کاربری اراضی، زیرساختها، طراحی شهری، برنامه‌ریزی برای اکوسیستم‌ها و امر عدالت در سطح مناطق کلانشهری است، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. این شیوه تفکر، به دلیل رشد سریع کالبد مناطق شهری، موج جدیدی از برنامه‌ریزی را با تأکید بر حفظ مناطق زیستی و چشم‌اندازها، و همچنین توجه به افزایش شکاف درآمدی و رفاه بین مرکز و پیرامون مطرح ساخت. در برخی موارد، این نوع منطقه‌گرایی نشانگر نوعی بازگشت به مفاهیم کل‌گرایی [۳۹] آغازین قرن بیستم در خصوص منطقه است. این شکل از برنامه‌ریزی، بیشتر به مباحث مرتبط با مناطق کلانشهری، حوزه‌های آبخیز، مناطق زیستی و سایر چشم‌اندازهای فیزیکی می‌پردازد تا فضاهای فرهنگی و اقتصادی. مهم‌ترین موضوع بحث این تفکر، مناطق کلانشهری [۴۰] است که شامل مجموعه‌ای از شهرها و روستاهایی است که در مجاورت هم قرار دارند و با پیوند به همدیگر، ماهیت منطقه شهری پیدا می‌کنند (www.chesapeakebay.net). لازم به ذکر است که توجه به کنترل توسعه مناطق پیرامونی شهر مرکزی، که به وسیله مدیریت‌های روستایی صورت می‌گیرد ضروری است (Gallion, 1984, p 359).

چالش رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلانشهری

یکی از چالش‌های اساسی در مناطق کلانشهری، چالش جمعیتی است. سده جدید در حالی آغاز شده که جمعیت جهان با رشد زیادی مواجه گشته است و درصد بالایی از این جمعیت، شهرنشین شده‌اند و هر ساله به میزان ۶۰ میلیون نفر به این جمعیت افزوده می‌شود. جمعیت شهری ۷۳۰ میلیون نفری جهان در سال ۱۹۵۰،

به یک میلیارد و پانصد و بیست میلیون نفر در سال ۱۹۷۵ و به بیش از سه میلیارد نفر در سال ۲۰۰۳ رسیده است (جدول شماره ۱). در طول ۵۰ سال، جمعیت شهری جهان افزایشی در حدود ۶۰۰ درصد داشته است که این روند در دهه های آینده، با شتاب بیشتری نیز ادامه خواهد یافت، به طوری که پیش بینی می شود جمعیت شهری جهان در سال ۲۰۱۷ به ۴ میلیارد نفر و در سال ۲۰۳۰ به ۵ میلیارد نفر برسد (یاگ، ۱۳۸۳، ۴۹).

همچنین انتظار می رود سهم جمعیت شهری ۴۸ درصدی جهان در سال ۲۰۰۳، به ۵۷ درصد در سال ۲۰۱۰ و ۶۱ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد (United Nation, 2003, p 2). در حالی که تا پایان جنگ جهانی دوم، شهرنشینی پدیده ویژه کشورهای توسعه یافته آن زمان بود، افزایش جمعیت و مهاجرت های مداوم روستا شهری در کشورهای در حال توسعه، سبب رشد فوق العاده شهرها شد به گونه ای که نسبت جمعیت شهرنشین جهان به کل جمعیت از ۳۷ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۰ رسید. بر اساس پیش بینی ها در فاصله سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۳۰، افزایش جمعیت شهری در کشورهای توسعه یافته تنها ۰/۱ میلیارد نفر خواهد بود. نرخ رشد متوسط سالیانه آنها در حدود ۰/۵ درصد تخمین زده می شود. این در حالی است که نرخ رشد متوسط جمعیت شهری این کشورها در نیمه دوم قرن گذشته حدود ۱/۵ درصد بوده است. (UNCHS, 2001).

نکته درخور توجه دیگر نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت جهان و سهم جمعیت فقیر از این نسبت جمعیتی است. در سال ۲۰۰۱، نسبت جمعیت شهرنشین جهان به کل جمعیت برابر ۴۷/۷ درصد بود و نسبت جمعیت فقیر شهری از آن ۳۶/۶ درصد، یعنی در حدود یک سوم جمعیت شهری جهان است. نسبت جمعیت شهری و جمعیت فقیر شهری برای کشورهای توسعه یافته به ترتیب برابر ۷۵/۵ و ۶ درصد، برای کشورهای در حال توسعه ۴۰/۹ و ۴۳ درصد و برای کشورهای توسعه نیافته ۲۶/۲ و ۷۸/۲ درصد بود. روند رشد جمعیت و شهرنشینی باعث شکل گیری و ظهور شهرهای میلیونی و کلانشهرها در کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشورهای جهان سوم شده است. در سال ۲۰۰۳ حدود ۴۶ درصد جمعیت جهان در شهرهای با جمعیت بیش از ۵ میلیون نفر ساکن بودند، در حالی که انتظار می رود این شهرها در سال ۲۰۱۵ پذیرای ۶۱ درصد جمعیت جهان باشند. تعداد شهرهای بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت، ۲۰ شهر بود که بر اساس پیش بینی ها در سال ۲۰۱۵ به ۲۲ شهر افزایش خواهد یافت.

پدیدار شدن کلانشهرها در کشورهای در حال توسعه در طول دو دهه اخیر، همراه با ناتوانی مدیریت شهری در تأمین مسکن و خدمات اصلی، نگران کننده بوده و به چالشی اساسی تبدیل شده است. این کلانشهرها با رشد خود، مناطق پیرامون شان را نیز تحت تأثیر قرار می دهند و در اثر رشد این مراکز شهری، فضاهای خالی بین شهر مرکزی و شهرهای اطراف پر می شود و این مراکز به همدیگر می پیوندند در ضمن رشد جمعیت در پیرامون کلانشهرها، بیش از شهر اصلی مرکزی خواهد بود. به عبارت دیگر از مشخصه های عام کلانشهرنشینی، روندی است که طی آن در ابتدا یک کلانشهر روبه رشد وجود دارد که اطراف آن را مجموعه ای از نقاط شهری کم جمعیت و تعداد زیادی روستاهای مهاجر فرست احاطه کرده اند. روند تمرکز جمعیت در کلانشهرها پس از چند دهه روبه کاهش می گذارد، چرا که به دلیل تراکم جمعیت و محدودیت اراضی و افزایش هزینه زندگی در مرکز، به تدریج جمعیت و فعالیت ها به پیرامون منتقل می گردد، و این خود موجب رشد مراکز جمعیتی پیرامون کلانشهرهای اصلی می شود (خلاصه گزارش طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن، ۱۳۷۹، ۱۹).

منطقه کلانشهری تهران و چالش رشد و پراکنش جمعیت

الف) روند شکل گیری منطقه کلانشهری تهران و تدوین طرح مجموعه شهری

به طور کلی کلانشهر تهران شامل شهر تهران و کانون های جمعیتی، اقتصادی و خدماتی اطراف آن است که بازار کار واحدی از سکونت و کار را تشکیل داده اند و اجزا و عناصر آن با هم ارتباط روزمره دارند. جمعیت تهران که در حدود ۲۰۰ سال پیش در اوایل دوره قاجار و انتخاب آن به پایتختی کمتر از ۱۵ هزار نفر بود، در اواخر دوره قاجار در سال ۱۳۰۰ شمسی به کمی بیش از ۲۰۰ هزار نفر و در پایان دوره رضاخان در سال ۱۳۲۰ به اندکی بالاتر از ۵۰۰ هزار نفر رسید. پس از آن در پی تحولات داخلی ناشی از تغییر نقش ایران در سطح بین المللی و منطقه ای، در جریان وقایع بعد از جنگ جهانی دوم، آهنگ رشد و گسترش تهران شدت بیشتری پیدا کرد و جمعیت آن در سال ۱۳۳۵ به حدود ۱/۵ میلیون نفر و در سال ۱۳۴۵ به حدود ۲/۷۲ میلیون نفر افزایش یافت.

طی این مدت، به رغم اینکه جمعیت تهران در فاصله ۱۳۴۵-۱۳۰۰، حدود ۱۳ برابر شده بود، به لحاظ جغرافیایی، رشد و گسترش کالبدی آن به طور پیوسته و در اطراف هسته قدیمی آن صورت گرفت و هنوز در خارج از آن تأثیر چندانی نگذاشته بود، به طوری که در سال ۱۳۴۵، بزرگ ترین کانون جمعیتی اطراف تهران، شهر کرج با جمعیتی حدود ۴۴ هزار نفر بود. اما از این زمان به بعد، با توجه به تأثیر توسعه شبکه راه های ملی و منطقه ای که تهران را به سایر نقاط کشور متصل می کرد و همچنین استقرار صنایع جدید و سایر فعالیت هایی که به زمین وسیع و ارزان احتیاج داشتند و نیز همراه با انتقال بعضی از فعالیت های مزاحم شهری به خارج از شهر تهران و با توجه به محدودیت های پیش بینی شده در طرح جامع مصوب شهری، شهرها و آبادی های واقع در اطراف تهران به سرعت رو به رشد نهادند. کانون های جمعیتی جدیدی حول راه های ارتباطی اصلی شکل گرفتند، تعداد شهرها افزایش پیدا کرد و به تدریج "منطقه کلانشهری" یا "مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن" شکل گرفت. امروزه این مجموعه، بخش اعظم سطح استان تهران را دربر گرفته است (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۸۳، ۱۱) آمار نشان می دهد که طی بیش از سه دهه و نیم گذشته در فاصله بین سال های ۱۳۸۱-۱۳۴۵، در حالی که جمعیت محدوده های قانونی شهر تهران حدود ۲/۷ برابر شده و از ۲/۷۲ به ۷/۴۴ میلیون نفر رسیده، جمعیت بقیه نقاط استان تهران ۶/۵ برابر شده و از حدود ۷۳۶ هزار نفر به ۴/۸۲ میلیون نفر افزایش یافته و سهم تهران از جمعیت استان از حدود ۷۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۶۵ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۶۱ درصد در سال ۱۳۸۱ کاهش پیدا کرده است. لذا توسعه و رشد این مجموعه از دیر باز جز در برخی از نقاط آن، که طرح جامع داشته، تابع هیچ نوع سیاست و راهبرد و برنامه ای نبوده است.

توسعه گسترده در مناطق پیرامون کلانشهر تهران ابعاد وسیعی به مجموعه بخشیده و برون فکنی مشکلات متعدد نظیر مسکن، کارگاه های آلاینده و استفاده بدون برنامه از زمین عملاً در هم ریختگی و نابسامانی شدیدی را در استقرار جمعیت و فعالیت در مجموعه به وجود آورده است. مجموعه اینها، به همراه بروز تنش های اجتماعی و سیاسی و امنیتی در این مناطق، هیئت دولت را بر آن داشت که به منظور فراهم کردن زمینه حل مسائل منطقه کلانشهری تهران و پیشگیری از بروز یا تشدید این مسائل در سایر شهرهای بزرگ و دستیابی به کیفیت مناسب از زندگی در مناطق کلانشهری کشور در آینده، مصوبه طرح ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها را به تصویب برساند. بر همین اساس، برای اولین بار در نظام برنامه ریزی شهری ایران، تهیه طرح مجموعه شهری تهران به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۷۵ در دستور کار قرار گرفت و نتایج آن در سال ۱۳۸۱ در شورای عالی شهرسازی و معماری و در سال ۱۳۸۲ به وسیله هیئت وزیران به تصویب رسید. پس از آن هیئت وزیران با در نظر گرفتن دیدگاه های مجلس در تصویب نامه مورخه ۱۳۸۳/۲/۲، ضمن استقلال واحدهای تقسیمات کشوری و مسئولیت ها و اختیارات مراجع ذی ربط آن، خط مشی ها و سیاست های کلی طرح مجموعه شهری تهران را به تصویب برساند. طبق این مصوبه، شهرستان های تهران، دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلامشهر، ساوجبلاغ، شهریار، رباط کریم، پاکدشت و نظرآباد در مجموعه شهری تهران قرار گرفتند. قلمرو این منطقه شامل شهرستان های استان تهران بجز شهرستان فیروزکوه است که به واسطه فقدان ارتباط با مجموعه شهری تهران، کمبود تعداد کانون های جمعیتی از آن حذف گردیده است. این محدوده در زمان حاضر شامل ۱۲ شهرستان، ۳۲ بخش، ۴۸ شهر، ۷۲ دهستان و بیش از ۱۴۵۰ آبادی است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۸۳، ۲۶).

لازم به ذکر است که بر اساس محدوده دقیق شده طرح مجموعه شهری تهران، تعدادی از شهرها و آبادی های مجموعه سکونتگاهی فعال منطقه کلانشهری تهران، به ۹ حوزه فعال و مناطق خارج از حوزه ها تقسیم بندی شده است که بنا به پیشنهاد طرح مجموعه شهری تهران، مطالعات تفصیلی این حوزه ها تحت عنوان طرح های ساختاری- راهبردی در سال ۱۳۸۴ به اتمام رسیده است و هم اکنون مراحل تصویب را می گذرانند. منطقه کلانشهری تهران هم اکنون به رغم تهیه طرح و به دلیل مسائل و مشکلات متعدد خصوصاً در حوزه مدیریت منطقه کلانشهری با مشکلات و چالش های

نسبت جمعیت منطقه کلانشهری تهران به کل کشور، طی دهه های اخیر روند افزایشی داشته است؛ در حالی که نسبت جمعیت کلانشهر تهران به کل کشور طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۱، روند کاهشی پیدا کرده است

سالنامه مدیریت شهری شماره ۱۸ بهار ۱۳۸۶

- متعددی مواجه است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. استقرار نامناسب و نامتعادل جمعیت و فعالیت در منطقه کلانشهری تهران.
 ۲. تغییر کاربری های زمین های کشاورزی و تخریب فضاهاى سبز در منطقه کلانشهری و از میان رفتن یکپارچگی این اراضی.
 ۳. استفاده غیر معقول از زمین در اثر ساخت وسازهای پراکنده.
 ۴. ازدحام ترافیک و کمبود زیرساخت ها و شبکه های حمل و نقل در سطح منطقه (خصوصاً حمل و نقل عمومی) و افزایش نگران کننده زمان و هزینه های حمل و نقل در منطقه کلانشهری.
 ۵. آلودگی هوا، آب و خاک و تخریب حوضه های آبخیز و محیط زیست.
 ۶. نزول کیفیت زندگی در سکونتگاه های پیرامونی و بحران مسکن و خدمات و همچنین تأسیسات و تجهیزات شهری.
 ۷. ازدیاد فقر و فاصله اقشار اجتماعی در سطح کلانشهر و منطقه و تشدید جدانشینی گروه های کم درآمد و تمرکز فقر در حاشیه پایتخت.
 ۸. کم رنگ شدن هویت و ویژگی های اجتماعی و فرهنگی ساکنان منطقه کلانشهری تهران و پیامدهای منفی ناشی از آن.
 ۹. کاهش کارایی و بهره وری اقتصادی مجموعه به دلیل فقدان تنوع و پویایی اقتصادی و اجتماعی در مراکز جمعیتی آن و اتلاف منابع و نیروهای مولد (خلاصه گزارش طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن، ۱۳۷۹، ۱۱۸).

ب) بررسی و تحلیل رشد و پراکنش جمعیت در منطقه کلانشهری تهران

منطقه کلانشهری تهران با وسعت ۱۶۵۸۷ کیلومتر مربع، ۸۸/۲ درصد از مساحت کل استان تهران را به خود اختصاص داده است [۴۱]. در سال ۱۳۸۱ این منطقه ۱۲۱۲۹۹۲۰ نفر جمعیت داشته است، که ۹۹/۷ درصد از جمعیت کل استان را تشکیل می دهد. میزان تراکم در سطح منطقه، ۷۳۱ نفر در کیلومتر مربع است. این در حالی است که میزان تراکم در سطح استان ۶۴۶ نفر در کیلومتر مربع است. همان گونه که در جدول شماره ۲ مشخص است، نسبت جمعیت منطقه کلانشهری تهران به کل کشور، طی دهه های اخیر روند افزایشی داشته است؛ در حالی که نسبت جمعیت کلانشهر تهران به کل کشور طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۱، روند کاهشی پیدا کرده است. بر این اساس، می توان گفت به رغم توفیق نسبی سیاست های تمرکززدایی دولت از کلانشهر تهران، به علت عدم توجه به منطقه کلانشهری، تمرکز جمعیت بیشتر در مناطق پیرامون صورت گرفته است. یکی از علت هایی که می تواند در این امر تأثیرگذار باشد عدم بهره گیری از انگاره های منطقه ای تا قبل از تدوین طرح مجموعه شهری است.

با توجه به گزینه های پیش بینی شده در طرح مجموعه شهری تهران در خصوص جمعیت منطقه کلانشهری برای افق ۱۴۰۰ [۴۲]، گزینه متوسط (عملیاتی) به میزان ۱۷/۷ میلیون نفر برای جمعیت ۱۰/۱۶ کل کشور و گزینه پایین به میزان ۱۶/۶ میلیون نفر برای جمعیت ۹۲/۳ کل کشور پیشنهاد گردیده بود، که شورای عالی شهرسازی و معماری ایران با توجه به پیامدهای نامطلوب افزایش جمعیت تهران به ویژه از لحاظ محدودیت منابع آب مورد نیاز، هیچ یک از گزینه ها را با مصالح و منافع آینده مجموعه منطبق ندانست و سقف جمعیتی ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر را پیشنهاد و تصویب کرد. تحقق این هدف بر مبنای مطالعات صورت گرفته، مستلزم اقدامات جدی و سختگیرانه ای است که در متن مصوبه طرح مجموعه شهری تهران (مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۸۲)، در دو سطح ملی و منطقه کلانشهری تهران، لحاظ گردیده است (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، گزیده مطالعات طرح راهبردی توسعه کالبدی، ۱۳۸۲، ۳۶).

نتایج تطبیقی پیش بینی های جمعیتی طرح مجموعه شهری برای سال های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ و نتایج به دست آمده از آمارهای سرشماری کارگاهی سال ۱۳۸۱، بیانگر آن است که رشد کنونی جمعیت منطقه کلانشهری تهران، بیش از رشد جمعیت در نظر گرفته شده است. در صورت تداوم این روند، جمعیت واقعی منطقه در افق طرح از جمعیت پیش بینی شده طبق مصوبه هیئت وزیران به مراتب بیشتر خواهد بود. این در حالی است که میزان جمعیت سال ۱۳۸۱ منطقه کلانشهری تهران حتی از گزینه های پیشنهادی طرح مجموعه شهری (متوسط و پایین) نیز بیشتر است (جدول شماره ۳).

بر اساس بررسی های انجام شده در خصوص جمعیت شهرستان های استان تهران، می توان به این نتیجه رسید که جمعیت شهرنشین استان، بخش عمده ای از سهم جمعیتی استان را به خود اختصاص داده است (بیش از ۹۰ درصد در سال ۱۳۸۱)، ضمن اینکه جمعیت شهرنشین استان در فاصله سال های ۸۱-۱۳۷۵، روند کاهشی داشته و از ۹۱/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹۰ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است (جدول شماره ۴). باید به این نکته اشاره کرد که رشد جمعیت روستایی در سال های مذکور از رشد جمعیت شهری به مراتب بیشتر بوده است. به نظر می رسد عواملی چون گرانی قیمت زمین و مسکن

از جمله عوامل مؤثر در روند جمعیت پذیری شهرستان های منطقه، می توان به میزان فاصله با تهران، دوری و نزدیکی به مسیرهای اصلی ارتباطی، قیمت زمین و مسکن، وجود یا فقدان سازوکارهای مشخص نظارتی و مدیریتی، میزان دسترسی به امکانات و خدمات و همچنین فرصت های شغلی جدید اشاره کرد.

در نقاط شهری و فقدان سازوکارهای نظارتی مشخص در مناطق روستایی خصوصاً در امر ساخت و ساز، در رشد مناطق روستایی مؤثر بوده است. به عنوان نمونه می توان به تحولات جمعیتی برخی از روستاها اشاره کرد که طی دهه های اخیر رشد بسیار بالایی داشته اند (جدول شماره ۵).

با توجه به آمارهای مندرج در جدول شماره ۴، باید گفت که شهرستانهای تهران، کرج و شهریار در سال ۱۳۸۱، بالاترین میزان جمعیت را به خود اختصاص داده بودند، این در حالی است که شهرستان های دماوند و نظرآباد کمترین میزان جمعیت را داشتند. شهرستان های شهریار، رباط کریم و ساوجبلاغ به ترتیب با ۷/۸۶، ۷/۳۳ و ۶/۵۶ درصد، بالاترین نرخ رشد جمعیت را طی سال های ۸۱-۱۳۷۵ داشته اند، در حالی که شهرستان های تهران و ری به ترتیب با ۱/۹۵ و ۲/۰۴ درصد، با کمترین میزان رشد مواجه بودند. همچنین شهرستان تهران بالاترین و شهرستان کرج پایین ترین میزان رشد جمعیت روستایی را طی سال های یادشده، به ترتیب با ۱۵/۲۸ و ۱/۸۶ درصد به خود اختصاص داده بودند. شهرستان های شهریار و رباط کریم به ترتیب با ۷/۱۹ و ۷/۱۲ درصد بالاترین، و شهرستان های ری و تهران به ترتیب با ۱/۵۶ و ۱/۹۱ درصد پایین ترین نرخ شهرنشینی را داشتند [۴۴].

یکی از عوامل نشان دهنده پراکندگی جمعیت، میزان تراکم جمعیت است. بر اساس بررسی های صورت گرفته، میزان تراکم در سطح منطقه کلانشهری تهران در سال ۱۳۸۱، ۷۳۱ نفر در کیلومتر مربع است در حالی که این میزان در کل استان، ۶۴۷ نفر در کیلومتر مربع است. بالاترین میزان تراکم در میان شهرستان های منطقه، به شهرستان های تهران و اسلامشهر به ترتیب با ۴۲۷۶ و ۱۶۷۰ نفر در کیلومتر مربع، و پایین ترین آنها به شهرستان های دماوند و ساوجبلاغ به ترتیب با ۴۰ و ۸۱ نفر در کیلومتر مربع اختصاص دارد، که نشان دهنده تمرکز غالب جمعیت در شهر مرکزی و نقاط مجاور آن است. با توجه به موارد پیش گفته از جمله عوامل مؤثر در روند جمعیت پذیری شهرستان های منطقه، می توان به میزان فاصله با تهران، دوری و نزدیکی به مسیرهای اصلی ارتباطی، قیمت زمین و مسکن، وجود یا فقدان سازوکارهای مشخص نظارتی و مدیریتی، میزان دسترسی به امکانات و خدمات و همچنین فرصت های شغلی جدید اشاره کرد. به عنوان نمونه، تعداد کارگاه های صنعتی فعال استان از حدود ۷۱ هزار در سال ۱۳۷۵ به حدود ۱۰۹ هزار در سال ۱۳۸۱ رسیده است، که تمرکز اصلی آنها در تمامی شهرستان های استان به غیر از شهرستان های تهران، ری و شمیرانات بوده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، تحولات اقتصادی و اجتماعی استان، ۱۳۸۴، ۵۸).

مجموعه شهری تهران در مجموع شامل ۹ حوزه شهری است که عبارت اند از حوزه شهری تهران، کرج-شهریار، اسلامشهر، رباط کریم، ورامین، پاکدشت، هشتگرد، رودهن-پردیس، حسن آباد و اشتهارد. این حوزه ها در سال ۱۳۸۱، در مجموع ۹۲/۹۴ درصد کل جمعیت استان و ۹۳/۲۰ درصد کل جمعیت منطقه کلانشهری تهران را در خود داشتند؛ و این در حالی است که تنها حدود ۱۴ درصد کل مساحت استان و ۱۱/۹ درصد مساحت منطقه کلانشهری را در بر می گرفتند [۴۵]. میزان تراکم جمعیت در سطح حوزه ها در سال ۱۳۸۱ به ۴۳ نفر در هر هکتار رسیده در حالی که در سال ۱۳۷۵ این میزان ۳۶ نفر در هکتار بوده است. این وضعیت نشان دهنده رشد جمعیت و تمرکز بیشتر آن در سطح حوزه های شهری منطقه بوده است که با اهداف طرح مطابقت دارد. بررسی ها نشان می دهند که سهم جمعیتی کلانشهر تهران در دهه های اخیر، روند نزولی داشته است، به طوری

که میزان سهم جمعیتی آن ۸۸ درصد در سال ۱۳۴۵، ۶۵ درصد در سال ۱۳۷۵، و ۶۱ درصد در سال ۱۳۸۱ بوده است. این روند بیانگر آن است که به طور فزاینده ای بر میزان سهم جمعیتی مراکز سکونتگاهی پیرامون کلانشهر تهران افزوده شده است (از ۱۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۹ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است). از جمله عوامل مؤثر در تبیین این موضوع، می توان به تحقق نسبی سیاست های دولت در تمرکززدایی و کاهش فشار از شهر تهران و تقویت سایر شهرهای بزرگ اشاره کرد. در اینکه باید به این موضوع توجه داشت که سیاست های مذکور نسبت به مناطق پیرامون کلانشهر تهران بی توجه بوده و این امر باعث شکل گیری و رشد مسائل متعددی چه در سطح منطقه و چه در محدوده کلانشهر تهران گردیده است. از جمله این مسائل می توان به رشد فزاینده سکونتگاه های خودرو، افزایش جرم و جنایت خصوصاً در مناطق پیرامونی، کمبود و نارسایی زیرساخت ها به ویژه در مناطق پیرامونی، جابه جایی های وسیع جمعیتی بین کلانشهر تهران و مناطق پیرامون آن در اثر وابستگی های شغلی و خدماتی این مناطق به شهر مرکزی، گسترش انواع آلودگی ها، افزایش عدم تعادل های فضایی در سطح منطقه و در مجموع کاهش کیفیت زندگی - اشاره کرد.

با توجه به جدول شماره ۵، می توان گفت که حوزه شهری تهران در میان حوزه های واقع در منطقه کلانشهری، دارای بالاترین میزان جمعیت و تراکم (۱۰۶ نفر در هکتار در سال ۱۳۸۱) است که این نسبت در حدود ۲/۵ برابر میزان تراکم مجموع حوزه های شهری است. طبق مقایسه صورت گرفته بر اساس جمعیت سال ۱۳۸۱، با اهداف و پیش بینی های طرح مجموعه شهری و مصوبه هیئت وزیران (۱۳۸۱)، می توان گفت که جمعیت حوزه شهری تهران در صورت تداوم روند کنونی، در افق طرح به مراتب بیشتر از پیش بینی های صورت گرفته - خصوصاً مصوبه هیئت وزیران - خواهد شد.

با توجه به اهداف در نظر گرفته شده برای جمعیت پذیری حوزه های شهری و مقایسه آن با آمارهای به دست آمده از سرشماری کارگاهی سال ۱۳۸۱ می توان دریافت که به غیر از حوزه شهری تهران، حوزه های کرج - شهریار و اسلامشهر - رباط کریم بالاترین میزان جمعیت پذیری را به ترتیب با ۵۱۵۳۳۰ نفر و ۲۶۰۲۴۵ نفر داشته اند. این در حالی است که حوزه های اشتهارد و حسن آباد، کمترین جمعیت پذیری را به ترتیب با ۶۹۶۱ نفر و ۸۸۰۱ نفر به خود اختصاص داده بودند. در میان حوزه های شهری، حوزه رودهن - پردیس، حسن آباد و اشتهارد بالاترین نرخ رشد، و حوزه های تهران و ورامین کمترین نرخ رشد را داشته اند. از عوامل مؤثر در این زمینه، چه بسا بتوان به عواملی چون شکل گیری شهرهای جدید در برخی از حوزه ها (که از برنامه های جمعیت پذیری تبعیت می کردند)، قیمت پایین زمین و مسکن در برخی از حوزه ها، و برنامه های کنترلی جمعیت در سطح منطقه و به خصوص در شهر تهران اشاره کرد.

با توجه به راهبردهای توسعه کالبدی حوزه های شهری پس از اعمال محدودیت های سختگیرانه در خصوص حوزه شهری تهران، حوزه کرج - شهریار به دلیل حفظ اراضی کشاورزی و باغ ها، می بایست در کنترل آن به میزان حدود ۲/۷ میلیون نفر در افق ۱۴۰۰، در اولویت قرار گیرد (۴۷). این در حالی است که جمعیت این حوزه در سال ۱۳۸۱، به بیش از ۲ میلیون نفر رسیده است. حوزه اسلامشهر - رباط کریم که براساس اهداف طرح مجموعه شهری می بایست در افق ۱۴۰۰، پذیرای جمعیتی حدود ۱/۹ میلیون نفر باشد. بر اساس آمارهای سرشماری ۱۳۸۱، میزان جمعیت حوزه مذکور به ۸۷۰ هزار نفر رسیده است که با در نظر گرفتن نرخ رشد ثابت محدوده زمانی ۸۱ - ۱۳۷۵، می توان گفت که جمعیت این حوزه در افق ۱۴۰۰ به مراتب بیشتر خواهد شد.

حوزه های شهری هشتگرد، اشتهارد و حسن آباد به دلیل پایین بودن نرخ رشد جمعیتی با روند موجود، به منظور تحقق جمعیت پذیری افق طرح، به تدابیر خاصی نیاز دارند. حوزه شهری ورامین، در صورت تداوم روند موجود رشد جمعیتی، در افق طرح با جمعیت بیشتری نسبت به هدف طرح روبه رو خواهد شد. به نظر می رسد حوزه های شهری پاکدشت و رودهن - پردیس با روند موجود، اهداف طرح را در افق ۱۴۰۰ تا حدودی پوشش خواهند داد.

ساختار کالبدی منطقه کلانشهری تهران، طی دهه های گذشته از شکل تک مرکزی و متمرکز، به شکل اقماری و غیرمتمرکز تغییر مسیر داده است و طبق ساختار پیش بینی شده برای افق طرح و همچنین با توجه به شکل گیری حوزه های شهری متمرکز و پرجمعیت در پیرامون تهران، زمینه برای تحقق ساختار مطلوب چندمرکزی و منظومه ای در سطح منطقه فراهم گردیده است. روند و تحول جمعیتی منطقه کلانشهری طی سال های اخیر، به عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده ساختار مذکور نشان می دهد که ساختار کلی منطقه تا حدودی به این سمت حرکت کرده است. از جمله عوامل مؤثر در تحقق هدف مذکور، توسعه مراکز منطقه ای کرج و اسلامشهر و تقویت

جدول شماره ۱. جمعیت شهری جهان بر حسب مناطق در فاصله زمانی ۱۹۵۰-۲۰۰۳

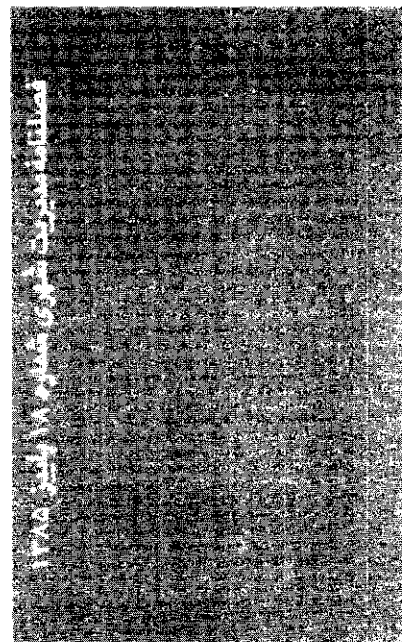
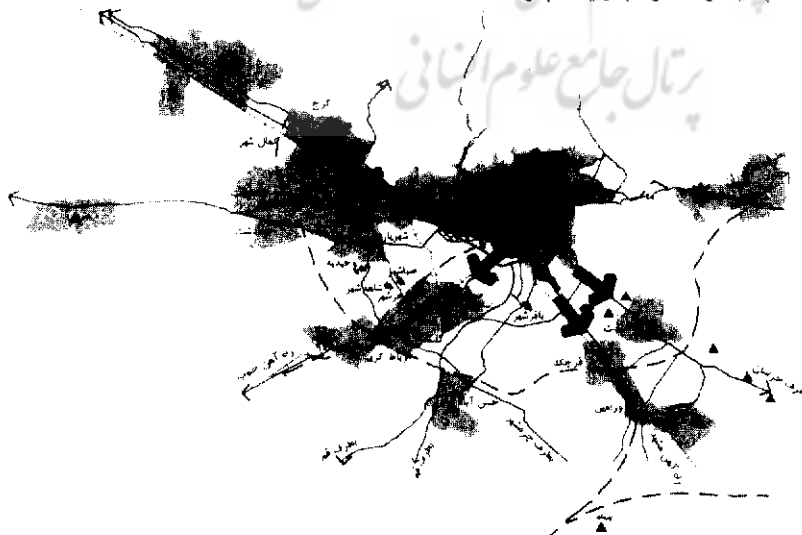
نرخ رشد سالیانه		جمعیت (میلیارد نفر)					پراکنش جمعیت
		۲۰۳۰	۲۰۰۳	۲۰۰۰	۱۹۷۵	۱۹۵۰	
۲۰۰۰-۲۰۳۰	۱۹۵۰-۲۰۰۰						کل جمعیت
۰/۹۷	۱/۷۶	۸/۱۳	۶/۳۰	۶/۰۷	۴/۰۷	۲/۵۲	جهان
۰/۱۳	-/۷۷	۱/۲۴	۱/۲۰	۱/۱۹	۱/۰۵	-/۸۱	مناطق توسعه یافته
۱/۱۵	۲/۱۰	۶/۸۹	۵/۱۰	۴/۸۸	۳/۰۲	۱/۷۱	مناطق کمتر توسعه یافته
							جمعیت شهری
۱/۸۳	۲/۷۲	۴/۹۴	۳/۰۴	۲/۸۶	۱/۵۲	-/۷۳	جهان
-/۴۷	۱/۴۵	۱/۰۱	-/۹۰	-/۸۸	-/۷۰	-/۴۳	مناطق توسعه یافته
۲/۲۹	۳/۷۲	۳/۹۳	۲/۱۵	۱/۹۷	-/۸۱	-/۳۱	مناطق کمتر توسعه یافته

Source: United Nations Department of Economic and Social Affairs/Population Division, World Urbanization Prospects: The 2003 Revision (Executive Summary)

سایر حوزه ها به عنوان عناصر اصلی شبکه شهری است. از جمله سیاست های اصلی طرح، توجه به مناطق خارج از حوزه های شهری است که در این زمینه، مقرر شده است به منظور جلوگیری از نابسامانی و پراکندگی توسعه، رشد جمعیت آنها در حد رشد طبیعی، محدود و کنترل شود (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، گزیده مطالعات طرح راهبردی توسعه کالبدی، ۱۳۸۳، ۴۸). با بررسی های انجام شده در این خصوص (جدول شماره ۶)، مشخص می گردد که رشد سالانه جمعیت حدود نیمی از این مناطق، از رشد طبیعی بیشتر بوده است و تداوم روند رشد کنونی و عدم اعمال

سایر حوزه ها به عنوان عناصر اصلی شبکه شهری است.

نقشه شماره ۱: چشم انداز ساختار کالبدی آینده مجموعه



مکانیسم‌های کنترلی در آینده، منشأ مشکلات جدیدی در سطح منطقه کلانشهری خواهد شد.

با توجه به راهبردهای توسعه کالبدی حوزه‌های شهری پس از اعمال محدودیت‌های سختگیرانه در خصوص حوزه شهری تهران، حوزه کرج- شهریار به دلیل حفظ اراضی کشاورزی و باغ‌ها، می‌بایست در کنترل آن به میزان حدود ۲/۷ میلیون نفر در افق ۱۴۰۰، در اولویت قرار گیرد. این در حالی است که جمعیت این حوزه در سال ۱۳۸۱، به بیش از ۲ میلیون نفر رسیده است.

[پانویشت‌ها]

- 1-Region
- 2-Patrick Goddes
- 3-Ecological Regionalism
- 4-RPAA
- 5-Lewis Mumford
- 6-Benton Mackaye
- 7-As a Whole
- 8-Large-Scale Physical Planning
- 9-Humanistic Architecture
- 10-Site Design
- 11-Development
- 12-Garden City
- 13-Radburn
- 14-New Jersey
- 15-Cul-de-Sacs
- 16-North Carolina
- 17-Chapel Hill
- 18-Cultural Regionalism
- 19-Howard L.D. Odum
- 20-Harry Esil
- 21-Regions as Economic Activities Fields
- 22-Southern California
- 23-Silicon Valley
- 24-Tennessee Valley
- 25-Emilia-Romagna Area
- 26-Regional Science
- 27-Walter Isard
- 28-John Friedmann
- 29-William Alonso
- 30-Regional Development and Planning Journal
- 31-Region as an Economic Landscape of Resource and Economic Development
- 32-Problems
- 33-David Harvey
- 34-Manuel Castells
- 35-Power to the Study of Regions
- 36-Growth Machines
- 37-Structural Changes
- 38-Regional Physical and Spatial Planning
- 39-Holistic
- 40-Metropolitan Regions
- ۴۱-مسئله جمعیت کل استان تهران در سال ۱۳۸۱، به ترتیب برابر با ۱۸۸۱۴ کیلومتر مربع و ۱۲۱۶۳۳۵ نفر است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، آثار سرشماری استان تهران، ۱۳۸۱).
- ۴۲-سابق نتایج به دست آمده از مطالعات جمعیتی طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن، با مدنظر گرفتن پارامترهای بلورری، تغییرات مرکز و میر و مهاجرت، ۴ گزینه با فرض مختلف پیشنهاد شد. گزینه بالا سطح بالای بلورری و سطح بالای مهاجرتی را مدنظر داشت. گزینه متوسط یا عملیاتی بر کاهش آرام بلورری و ثبات مالفن مهاجرت توجه داشت. در گزینه پایین، کاهش سریع بلورری و کاهش مهاجرت مورد توجه بود. و نهایتاً هر گزینه با رشد طبیعی (گزینه ۴) بر کاهش بلورری و توقف مهاجرت تأکید می‌شد. از میان گزینه‌های مذکور، گزینه‌های متوسط و پایین برای افق ۱۴۰۰ پیشنهاد گردید (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، گزینه مطالعات جمعیتی، ۱۳۸۲، صص ۱۲۳).

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی رشد و پراکنش جمعیت منطقه کلانشهری تهران در دهه‌های اخیر نشان داد که به رغم توفیق نسبی سیاست‌های تمرکز زدایی از کلانشهر تهران، به علت عدم توجه به منطقه کلانشهری، تمرکز جمعیت بیشتر در مناطق پیرامونی و به شکلی نامناسب و نامتعادل بوده است. بررسی تطبیقی جمعیت سال ۱۳۸۱ با اهداف و پیش بینی‌های جمعیتی طرح مجموعه شهری بیانگر آن است که رشد جمعیت منطقه کلانشهری بیش از رشد جمعیت در نظر گرفته شده در طرح مجموعه شهری است و جمعیت منطقه در صورت تداوم این روند در افق طرح (۱۴۰۰) به مراتب از جمعیت پیش بینی شده طبق مصوبه هیئت وزیران بیشتر خواهد شد. نحوه پراکنش جمعیت در مناطق روستایی و شهری مبین آن است که در سال ۱۳۸۱، بیش از ۹۰ درصد جمعیت استان تهران در مناطق شهری سکونت داشته‌اند ولی روند جمعیت طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۵ حاکی از کاهش ۱/۵ درصد نسبت جمعیت شهرنشین در مقایسه با مناطق روستایی است.

بررسی جمعیت حوزه‌های نه‌گانه در منطقه کلانشهری طی سال‌های مذکور نشان از آن دارد که در حوزه تهران، به رغم اعمال سیاست‌های کنترلی، جمعیت آن از جمعیت در نظر گرفته شده در سال ۱۳۸۱ بیشتر شده است و بیش بینی می‌گردد که در صورت تداوم روند کنونی، جمعیت آن در افق طرح از سقف جمعیتی مصوب بیشتر شود. در میان حوزه‌های منطقه (به غیر از تهران) حوزه‌های کرج- شهریار و اسلامشهر- رباط کریم بیشترین جمعیت پذیری را داشته‌اند.

جدول شماره ۲. مقایسه جمعیت شهر تهران، منطقه شهری تهران و کل کشور، به هزار نفر، در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۴۵

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۱
جمعیت	۱۲۴۵	۱۳۵۵	۱۴۶۵	۱۵۷۵	۱۶۸۱
جمعیت کل کشور	۲۵۷۹	۳۲۷۰۹	۴۹۴۴۵	۶۰۰۵۵	*۶۷۶۱۱
جمعیت منطقه شهری تهران	۳۴۵۲	۵۳۰۰	۷۹۲۳	*۱۰۱۲۳	*۱۲۱۳۰
جمعیت شهر تهران	۳۰۲۹	۴۵۵۰	۶۰۵۲	*۶۷۶۶	*۷۴۴۵
نسبت جمعیت منطقه شهری تهران به کل کشور	۱۳/۳	۱۵/۷	۱۶	۷/۲	۱۷/۹
نسبت جمعیت شهر تهران به جمعیت کل کشور	۱۱/۷	۱۳/۴	۱۲/۲	۱۱/۲	۱۱
نسبت جمعیت شهر تهران به منطقه شهری تهران	۸۸	۸۶	۷۶	۶۵	۶۱

منابع: الف) داوودپور، ۱۳۸۴، ۲-۱۰ (ب) بررسی‌های تحلیلی نگارندگان.
* آمارهای مربوط برگرفته از سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران و پیش بینی جمعیت کشور است.
نکته: منطقه کلانشهری تهران بر اساس مصوبه هیئت وزیران (مدیریت مجموعه شهری تهران) شامل استان تهران به استثنای شهرستان فیروزکوه است

جدول شماره ۳. پیش بینی جمعیت منطقه کلانشهری تهران بر اساس طرح مجموعه شهری و تطبیق آن با نتایج سرشماری ۱۳۸۱ به هزار نفر | ۴۳

جمعیت	گزینه‌ها	جمعیت مجموعه شهری تهران - ۱۳۷۵	پیش بینی جمعیت طرح مجموعه شهری ۱۳۸۰ بر اساس رشد طرح مجموعه شهری	پیش بینی جمعیت ۱۳۸۱ بر اساس طرح مجموعه شهری	پیش بینی جمعیت ۱۳۸۵ بر اساس طرح مجموعه شهری	پیش بینی جمعیت ۱۴۰۰ بر اساس طرح مجموعه شهری	جمعیت منطقه ۱۳۸۱	جمعیت سال ۱۳۸۱ کلانشهری بر اساس آمار سرشماری ۱۳۸۱	جمعیت سال ۱۳۸۱ استان تهران بر اساس آمار سرشماری ۱۳۸۱	جمعیت
۱۰۳۲۴	۱۱۷۰۲	۱۱۱۹۲	۱۲۲۲۵	۱۷۷۱۷						
۱۰۳۴۴	۱۱۶۰۲	۱۱۸۶۲	۱۲۹۸۵	۱۶۶۴۹						

منابع: الف) سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، ۱۳۸۲. ب) مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، گزیده مطالعات جمعیتی مجموعه شهری تهران، جداول ۴/۵، ۵/۴، ۵/۵، ۵/۶، ۵/۷، ۵/۸ و ۵/۹. ج) بررسی های تحلیلی نگارندگان.

پیش بینی می شود که در صورت تداوم روند مذکور، جمعیت حوزه های یاد شده در افق طرح، خصوصاً حوزه کرج - شهریار بیشتر از جمعیت در نظر گرفته شده گردد) و حوزه های اشتهارد و حسن آباد کمترین جمعیت پذیری را به خود

رشد و پراکنش جمعیت منطقه کلانشهری تهران در دهه های اخیر نشان داد که به رغم توفیق نسبی سیاست های تمرکز زدایی از کلانشهر تهران، به علت عدم توجه به منطقه کلانشهری، تمرکز جمعیت بیشتر در مناطق پیرامونی و به شکلی نامناسب و نامتعادل بوده است

اختصاص داده اند. بر این اساس می توان گفت اکثر حوزه های نه گانه با اهداف جمعیت پذیری منطقه طبق نتایج طرح مجموعه شهری منطبق نیستند.

ساختار کالبدی منطقه کلانشهری تهران طی دهه های گذشته از شکل تک مرکزی و متمرکز به شکل اقماری و

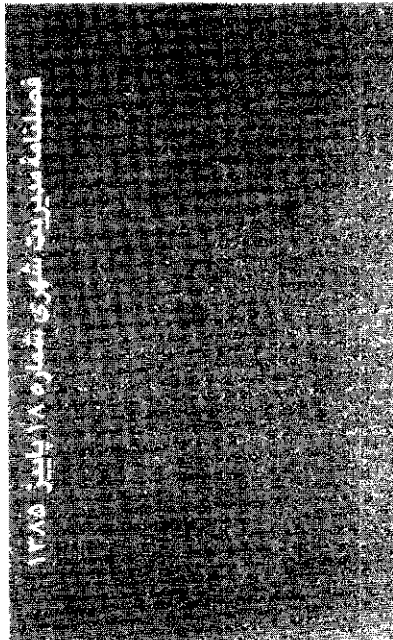


نقشه شماره ۲: موقعیت نقاط مهم خارج از حوزه های شهری

۲۲- کلیه آمارهای سال ۱۳۸۱، برگرفته از آمارهای سرشماری کارکنانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران است.
 ۲۳- بررسی های انجام شده، بدون احتساب شهرستان فیروزکوه، که خارج از محدوده منطقه کلانشهری قرار دارد، انجام شده است.
 ۲۴- لازم به ذکر است که میزان سهم جمعیتی حوزه های شهری در سال ۱۳۷۵ نسبت به کل استان، ۷۷.۹۴ درصد بوده است.
 ۲۵- پیش بینی جمعیت طرح مجموعه شهری برای شهر تهران معادل با جمعیت ۵.۸ میلیون نفر بود که بر اساس مصوبه هیئت وزیران این رقم تا سقف جمعیتی ۶.۵۰۷ میلیون نفر در افق سال ۱۴۰۰ محدود گردیده است.
 ۲۶- طبق مصوبه هیئت وزیران در محدودیت جمعیت در کل مجموعه، جمعیت حوزه یاد شده می بایست در افق ۱۴۰۰ کمتر از میزان مذکور کمتر شود.

منابع

۱. افروز، ع.، فضا و نابرابری های اجتماعی، ارات الکتونی برای جدایی کریمی فضایی و پیامدهای آن، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۷.
۲. اسماعیل زاده، حسن، مهاجرت، خشایه نشینی، امنیت اجتماعی، همایش امنیت اجتماعی، دانشگاه قزوین، مشهد، ۱۳۸۲.
۳. باقر، س.، رابرت، و. سالی لوید ایونز، شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایراننوست، مهدی دهقان و میترا احمدی ترشیزی، انتشارات سازمان شهرسازی ها و بهیاری های وزارت کشور، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۴. پاک، سدریک، شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر محرم نژاد، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران، ۱۳۸۲.
۵. پرهیزکار، اکبر، و حسن اسماعیل زاده، ارزش های اکولوژیکی در برنامه ریزی شهری، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۶، ۱۳۸۲.
۶. خلعی، حمید، حکمروایی کلانشهری با الگویی در شیوه حکمروایی لندن، فصلنامه پژوهشی، تدلیلی- آموزشی مدیریت شهری، شماره ۱۷، سال پنجم، بهار ۱۳۸۳.



جدول شماره ۴. روند و برآورد جمعیتی شهرستانهای استان تهران و منطقه کلانشهری به تفکیک نقاط شهری و روستایی (به هزار نفر)

شهرستان	سال	نقاط سکونتگاهی					تراکم (نفر در کیلومتر مربع)	مساحت (کیلومتر مربع)	ترخ رشد ۱۳۸۱-۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۸۱	۱۳۷۵
		کل	شهری	روستایی	کل	شهری						
تهران		کل	۶۰۹۷	۶۸۴۶	۷۳۰۹	۱/۹۵	۱۶۰۱	۱/۹۵	۶۸۴۶	۶۰۹۷	۴۲۷۶	
		شهری	۶۰۸۴	۶۸۱۵	۷۳۵۲	۱/۹۱		۱/۹۱	۶۸۱۵	۶۰۸۴		
		روستایی	۱۳	۳۰	۵۴	۱۵/۲۸		۱۵/۲۸	۳۰	۱۳		
دماوند		کل	۶۴	۷۸	۹۳	۳/۷۵	۱۹۹۷	۳/۷۵	۷۸	۶۴	۴۰	
		شهری	۴۲	۵۴	۶۷	۲/۳۸		۲/۳۸	۵۴	۴۲		
		روستایی	۲۲	۲۵	۲۵	۲/۵		۲/۵	۲۵	۲۲		
ری		کل	۵۴۹	۶۲۰	۶۷۲	۲/۰۲	۲۰۷۰	۲/۰۲	۶۲۰	۵۴۹	۲۹۹	
		شهری	۴۲۰	۴۶۱	۴۹۲	۱/۵۶		۱/۵۶	۴۶۱	۴۲۰		
		روستایی	۱۲۹	۱۵۹	۱۸۲	۳/۵۲		۳/۵۲	۱۵۹	۱۲۹		
شمیرانات		کل	۲۶۸	۳۲۳	۳۶۶	۳/۱۱	۱۱۱۱	۳/۱۱	۳۲۳	۲۶۸	۲۹۰	
		شهری	۲۵۷	۳۰۹	۳۵۰	۲/۱۲		۲/۱۲	۳۰۹	۲۵۷		
		روستایی	۱۱	۱۵	۱۵	۲/۰۶		۲/۰۶	۱۵	۱۱		
کرج		کل	۱۱۴۳	۱۳۴۷	۱۷۰۰	۴/۱	۲۴۶۶	۴/۱	۱۳۴۷	۱۱۴۳	۵۸۷	
		شهری	۱۰۹۸	۱۳۹۷	۱۶۵۷	۳/۱۹		۳/۱۹	۱۳۹۷	۱۰۹۸		
		روستایی	۴۵	۵۰	۴۳	۱/۸۶		۱/۸۶	۵۰	۴۵		
نظرآباد		کل	۹۸	۱۲۶	۱۳۹	۴/۲۶	۵۲۱	۴/۲۶	۱۲۶	۹۸	۲۴۱	
		شهری	۶۹	۹۴	۱۱۲	۵/۱۲		۵/۱۲	۹۴	۶۹		
		روستایی	۲۸	۳۲	۲۵	۲		۲	۳۲	۲۸		
ورامین		کل	۴۱۵	۵۲۱	۶۰۸	۳/۸۷	۱۷۷۵	۳/۸۷	۵۲۱	۴۱۵	۲۹۴	
		شهری	۳۳۳	۴۰۲	۴۶۷	۳/۷۳		۳/۷۳	۴۰۲	۳۳۳		
		روستایی	۹۲	۱۱۹	۱۴۱	۳/۳۴		۳/۳۴	۱۱۹	۹۲		
ساوجبلاغ		کل	۱۲۵	۱۸۳	۲۳۸	۶/۵۶	۲۲۵۷	۶/۵۶	۱۸۳	۱۲۵	۸۱	
		شهری	۳۵	۴۲	۶۱	۳/۰۳		۳/۰۳	۴۲	۳۵		
		روستایی	۹۰	۱۴۱	۱۷۷	۷/۷۹		۷/۷۹	۱۴۱	۹۰		
شهریار		کل	۵۲۲	۸۳۸	۱۱۳۹	۷/۸۶	۱۲۲۰	۷/۸۶	۸۳۸	۵۲۲	۶۳۵	
		شهری	۳۴۱	۵۱۷	۷۲۴	۷/۱۱		۷/۱۱	۵۱۷	۳۴۱		
		روستایی	۱۹۲	۳۲۱	۳۹۵	۸/۶۹		۸/۶۹	۳۲۱	۱۹۲		
اسلامشهر		کل	۳۶۶	۴۱۸	۴۵۶	۲/۲۱	۲۵۰	۲/۲۱	۴۱۸	۳۶۶	۱۶۷۰	
		شهری	۳۲۲	۳۶۶	۳۹۹	۲/۱۵		۲/۱۵	۳۶۶	۳۲۲		
		روستایی	۴۴	۵۲	۵۷	۲/۵۹		۲/۵۹	۵۲	۴۴		
رباط کریم		کل	۳۴۲	۵۲۳	۷۰۲	۷/۳۲	۵۴۹	۷/۳۲	۵۲۳	۳۴۲	۹۵۲	
		شهری	۲۴۲	۳۷۵	۵۹۶	۷/۱۲		۷/۱۲	۳۷۵	۲۴۲		
		روستایی	۹۴	۱۴۸	۱۰۷	۷/۸۷		۷/۸۷	۱۴۸	۹۴		
پاکدشت		کل	۱۵۸	۲۰۷	۲۴۹	۴/۶۶	۶۷۰	۴/۶۶	۲۰۷	۱۵۸	۳۰۹	
		شهری	۷۸	۱۰۸	۱۳۵	۵/۶۴		۵/۶۴	۱۰۸	۷۸		
		روستایی	۸۰	۹۹	۱۱۴	۳/۶۵		۳/۶۵	۹۹	۸۰		
فیروزکوه		کل	۳۳	۳۳	۳۷	۰/۰۳	۲۲۲۷	۰/۰۳	۳۳	۳۳	۱۵	
		شهری	۱۶	۱۶	۱۹	-/۳۳		-/۳۳	۱۶	۱۶		
		روستایی	۱۷	۱۷	۱۸	۰/۲۸		۰/۲۸	۱۷	۱۷		
کل استان		کل	۱۰۹۹۱	۱۲۱۶۳	۱۳۸۱۸	۳/۱۸	۱۸۸۱۴	۳/۱۸	۱۲۱۶۳	۱۰۹۹۱	۶۴۷	
		شهری	۹۳۳۳	۱۰۹۵۶	۱۲۴۵۴	۲/۹۳		۲/۹۳	۱۰۹۵۶	۹۳۳۳		
		روستایی	۸۵۸	۱۲۰۷	۱۳۶۴	۶/۰۶		۶/۰۶	۱۲۰۷	۸۵۸		

منبع: الف) سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، آمار سرشماری کارگاهی ۱۳۸۱ (ب) بررسی های تحلیلی نگارندگان.

جدول شماره ۵. روند جمعیت حوزه‌های شهری در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۱ و ۱۴۰۰ در تطبیق با طرح مجموعه شهری (به هزار نفر)

حوزه شهری	مساحت (هکتار)	جمعیت سال ۱۳۷۵	سهم از جمعیت استان در ۱۳۷۵	جمعیت سال ۱۳۸۱ بر اساس آمار سرشماری ۱۳۸۱	سهم از جمعیت استان در سال ۱۳۸۱	نرخ رشد ۸۱- ۱۳۷۵	تفاضل جمعیت حوزه‌های شهری بین سال‌های ۸۱- ۱۳۷۵	پیش بینی جمعیت طرح در سال ۱۴۰۰	تراکم جمعیت در سال ۱۳۷۵ (نفر در هکتار)	تراکم جمعیت در سال ۱۳۸۱ (نفر در هکتار)	نسبت مساحت حوزه به کل منطقه
تهران	۶۹۹۵۶	۶۷۶۶	۴۱.۶۵	۷۴۴۵	۶۱/۲۱	۱/۶	۶۸۰	۸۵۰۰	۹۷	۱۰۶	۴/۲
کرج- شهریار	۶۷۲۵۹	۱۵۰۸	۵۸.۱۴	۲۰۲۴	۱۶/۶۴	۴/۹	۵۱۵	۲۶۸۴	۲۲	۳۰	۴/۰۵
اسلامشهر - ریاط کریم	۳۰۰۲۳	۶۱۳	۹۳.۰۵	۸۷۳	۷/۱۸	۵/۹	۳۶۰	۱۹۱۲	۲۰	۲۹	۱/۸۱
ورامین	۲۰۴۰۸	۳۵۸۳	۴۶.۰۳	۴۵۴	۳/۷۲	۳/۹	۹۵	۶۰۵	۱۸	۲۲	۱/۲۲
پاکدشت	۹۳۴۱	۱۵۴	۴۷.۰۱	۲۰۲	۱/۶۶	۴/۸	۵۹	۵۲۱	۱۶	۲۲	۰/۵۶
هشتگرد	۲۸۷۱۳	۱۳۴	۲۹.۰۱	۱۹۴	۱/۵۹	۶/۱	۵۹	۸۸۱	۵	۷	۱/۷۲
رودهن- بردیس	۱۸۳۰۹	۴۲	۰/۴	۷۴	۰/۶۱	۹/۶	۳۳	۳۶۳	۲	۴	۱/۱
حسن‌آباد	۹۳۲۷	۱۳	۰/۱۳	۲۲	۰/۱۸	۸/۶	۹	۱۹۲	۱	۲	۰/۵۶
اشتهارد	۱۱۹۵۶	۱۰	۰/۱	۱۷	۰/۱۲	۸/۶	۷	۴۹۹	۱	۱	۰/۷۲
جمع حوزه‌ها	۲۶۵۳۹۲	۹۵۹۶	۷۷.۰۹۲	۱۱۳۰۴	۹۲/۹۴	۲/۷	۱۷۰۸۲	۱۶۱۵۷	۳۶	۴۳	۱۱/۱۹

منابع: الف) سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران، آمار سرشماری ۱۳۸۱؛ ب) بررسی‌های تحلیلی نگارندگان (لازم به ذکر است که آمار جمعیت حوزه‌ها در سال ۱۳۸۱ برگرفته از آمار جمعیت مراکز سکونتگاهی با تطبیق نقشه استان تهران صورت گرفته است).

غیر متمرکز تغییر یافته و در زمان حاضر رشد و پراکنش جمعیت به عنوان یکی از عوامل شکل دهنده ساختار موجب گردیده است که ساختار کالبدی منطقه به سمت چند مرکزی و منظومه ای در حال تغییر باشد. لازم به ذکر است که شکل گیری ساختار مذکور با توسعه مراکز منطقه ای کرج و اسلامشهر و تقویت سایر حوزه‌ها از اهداف طرح مجموعه شهری نیز هست.

یکی از سیاست‌های اصلی در کنترل رشد جمعیت منطقه، توجه به کنترل جمعیت مناطق و کانون‌های جمعیتی خارج از محدوده حوزه‌های شهری بوده است. بررسی‌های صورت گرفته بر روی کانون‌های مهم، نشان داد که رشد جمعیت حدود نیمی از این مناطق بالاتر از رشد طبیعی است و تداوم آن منشأ مشکلات جدیدی در سطوح منطقه خواهد شد. به طور کلی می‌توان گفت که رشد و پراکنش جمعیت در منطقه کلانشهری تهران نامناسب و نامتعادل است و اهداف و راهبردهای در نظر گرفته شده در طرح مجموعه شهری در اکثر مناطق و نقاط سکونتگاهی محقق نشده است و پیش بینی می‌گردد که در افق طرح، جمعیت منطقه به مراتب بیشتر از جمعیت مصوب باشد. از عوامل تأثیرگذار در این خصوص می‌توان به مواردی چون جریان مهاجرت خصوصاً به مناطق پیرامون کلانشهر تهران، قیمت زمین و مسکن و تغییرات آن در سطح منطقه، وضعیت ساختارهای مدیریتی و نظارتی موجود در سطح منطقه، دوری و نزدیکی به شبکه‌های ارتباطی و شهر تهران، میزان دسترسی به امکانات و خدمات، فرصت‌های شغلی جدید و نظایر اینها اشاره کرد. مسائل یاد شده، ضرورت توجه ویژه به ابعاد مدیریتی و برنامه ریزی را در منطقه کلانشهری تهران به منظور تعادل بخشی به رشد و پراکنش جمعیت مطرح می‌سازد.

جدول شماره ۶. روند و برآورد جمعیتی کانون‌های مهم خارج از محدوده حوزه‌های شهری

نام کانون جمعیتی	ناحیه	جمعیت ۱۳۵۵	جمعیت ۱۳۶۵	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۱	برآورد جمعیت ۱۳۸۵	نرخ رشد ۱۳۶۵-۱۳۷۵	نرخ رشد ۱۳۷۵-۱۳۸۱
وحیدیه	کرج- شهریار	۲۸۶۷	۸۰۱۰	۱۵۵۲۵	۲۲۲۴۷	۲۹۴۷۹	۶۱/۸۴	۶۱/۰۷
شاهدشهر	کرج- شهریار	۲۱۲۷	۵۵۶۰	۱۴۹۵۰	۱۸۸۲۰	۲۳۳۴۱	۱۰/۳۹	۲/۸۴
صیابشهر	کرج- شهریار	۲۸۶۱	۷۸۸۰	۱۲۵۴۲	۱۶۶۸۲	۲۰۱۷۷	۴/۷۶	۴/۷۵
لواسان	لواسان	۷۷۸	۶۵۲	۱۰۵۸۷	۱۶۵۰۲	۲۲۴۰۹	۳۲/۱۲	۷/۴
فشم	لواسان	۴۳۲۷	۵۲۷۷	۶۷۶۲	۸۷۵۹	۱۰۴۰۹	۲/۳۱	۴/۳۱
باقرشهر	محور جاده قم	۴۷۶۹	۳۱۹۲۰	۳۵۶۰۷	۴۵۴۹۱	۵۶۹۶۸	۳/۶	-/۰۴
آلارد	کرج- شهریار	۱۱۹۰	۱۷۴۲	۵۹۸۸	۹۶۴۹	۱۳۲۲۰	۱۳/۱۴	۷/۹۲
سعیدآباد	کرج- شهریار	۴۱	۷۵۴۵	۱۰۹۹۱	۱۲۶۰۱	۱۳۹۵۷	۲/۸	۸/۲۸
خادم آباد	کرج- شهریار	۲۳۸	۱۷۸۴	۱۰۰۵۴	۱۶۸۷۶	۲۳۸۲۹	۱۸/۸۸	۸/۶۲
نصیرآباد	کرج- شهریار	۴۶۲	۱۱۲۷	۹۴۹۰	۱۷۴۲۹	۲۶۱۶۰	۲۴/۵۳	۱۰/۱۴
ویرد	کرج- شهریار	۳۱۲	۸۴۰	۶۲۷۸	۱۲۱۶۶	۲۳۳۷۴	۲۲/۲۷	۱۳/۵۶
باباسلمان	کرج- شهریار	۱۱۲۹	۲۰۷۴	۶۵۴۴	۷۴۰۳	۸۰۳۸	۱۲/۱۸	۲/۰۶
شهرک مصطفی خمینی	کرج- شهریار	*	*	۶۰۶۸	۹۹۰۵	۱۳۷۲۲	*	۸/۱۷
اصیل آباد قرارت	کرج- شهریار	۱۳۷۵	۲۶۲۰	۲۸۰۰	۸۱۶۲	*	۶/۲	۸/۸۴
فردوسی	کرج- شهریار	۱۵۶۲	۷۹۰۲	۵۴۲	۱۹۲۸۶	۲۸۴۰۰	۷/۳	۲۵/۲۸
احمدآباد	کرج- شهریار	۲۰۱۳	۷۸۱۲	۱۰۰۱۸	۱۱۰۴۱	۱۹۷۷۹	۲/۵۲	۱/۶۲
گلدسته	جاده ساوه	۲۴۹۹	۶۰۴۵	۸۴۱۹	۸۹۳۵	۹۲۹۸	۲/۲۷	۰/۹۹
شاطره	جاده ساوه	۱۰۱۱	۷۰۷۱	۸۹۳۱	۱۰۴۱۰	۱۱۵۳۱	۲/۳۶	۲/۵۵
چهارزانگه	جاده ساوه	*	*	۲۶۷۳۶	۳۲۲۲۳	۴۶۷۲۴	*	۲/۳۲
شهرک رسالت	جاده قم	*	۱۰۵۶۵	۹۷۷۱	۱۰۵۱۵	۱۱۰۴۲	-/۷۸	۱/۲۲
کپریزک	جاده قم	۷۲۵	۴۹۹۲	۷۸۱۵	۷۸۵۱	۷۹۸۱	۱۰/۰۸	۱/۰۸
خاورشهر	ورامین	*	۷۳۲۰	۹۵۱۱	۱۱۴۱۱	۱۲۸۹۳	۲/۴۴	۲/۰۴
خورین	ورامین	۱۵۱۹	۲۶۱۴	۴۷۳۰	۴۲۱۸	۴۶۵۴	۶/۱	-/۹۱
قلعه نو خالصه	ورامین	۲۳۷۹	۳۹۸۶	۴۹۹۳	۵۱۳۱	۵۲۲۶	۲/۲۸	۰/۴۵
فیروزآباد	ورامین	۲۱۶۹	۷۱۰۷	۸۳۹۰	۹۰۹۲	۹۶۶۹	۱/۵۵	۱/۵۴
حصار کلک	ورامین	۱۲۳۴	۳۰۹۵	۴۵۷۳	۴۹۸۲	۵۲۷۵	۴/۲۵	۱/۵۵
ارسیویه و فیلاستان	ورامین	۱۸۶۶	۳۱۷۵	۴۲۳۶	۵۵۵۵	*	۲/۴	۲/۷۵

منابع: الف) سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران. آمار سرشماری ۱۳۸۱ (و ب) بررسی‌های تحلیلی نگارندگان. ^۳ به دلیل نبود جمعیت و با عدم تکیه به آمارهای مستند، خالی است.